

یورگن روله

# ادبیات و انقلاب

[از آسیا تا امریکا]

ترجمه

علی اصغر حدّاد



انتشارات نیلوفر

## فهرست مطالب

|     |                                       |                     |
|-----|---------------------------------------|---------------------|
| ۹   | پیرمردان بزرگ ادبیات سوسیالیستی ..... | رومن رولان          |
| ۴۷  | ماندارین‌های پاریس .....              | ژان پل سارتر        |
| ۹۳  | ایتالیای مردم فقیر .....              | اینیاتسیو سیلونه    |
| ۱۲۵ | متحدان وابسته به اردوگاه ملی .....    | فدریکو گارسیا لورکا |
| ۱۵۱ | انتقاد از خودِ امریکا .....           | جان اشتاین‌بک       |
| ۲۰۷ | سرود بزرگ امریکای لاتین .....         | ب. تراون            |
| ۲۳۱ | آسیا از بیخ و بن دگرگون .....         | رابیندرانات تاگور   |
| ۲۶۱ | اعراض از خدای سرخ .....               |                     |

آندره ژید

جهان انقلابی به عقب برمی‌گردد ..... ۳۰۱

مارک هلاسکو

پس‌گفتار ..... ۳۳۱

سال‌شمار رویدادها ..... ۳۳۳

کتاب‌شناسی ..... ۳۷۹

نمایه ..... ۳۹۱

ادبیاتی که به مسائل اجتماعی می‌پردازد، از وضع موجود انتقاد می‌کند و خواهان تغییر آن است، همیشه وجود داشته است و وجود خواهد داشت. نقد اجتماعی با ماهیت هنر که می‌کوشد واقعیت را با تمام تناقض‌ها و نارسایی‌هایش با ایده‌آل خدایی یا نظم کیهانی، امر مطلق، مقایسه کند، همخوانی دارد. ویژگی نویی که انقلاب اکبر به ادبیات بخشید، فقط این بود که به نویسندگان امکان داد آن ایده‌آل را در محدوده‌ای زمینی بازتابانند. یکی امیدوار بود مسکو به جامعه بی‌طبقه واقعیت ببخشد، دیگری چشم‌انتظار سلسله‌مراتبی تازه بود. یکی جذب آتئیسم شد، دیگری به تولد دوباره مسیح ایمان آورد. این یکی منتظر رهایی فرد بود، آن دیگری پیروزی جمع را جشن گرفت. به نام کمونیسم سرود زمین برای دهقان و روند صنعتی شدن

کشور سر داده شد. صلح ابدی و جنگ عادلانه، شوق بهشت، و نیز امید رسیدن به سرانجام جهان، نویسندگان را به تحرک واداشت. کمونیسم در دهه سی، دهه سرخ، بیش از هر زمانی بر زندگی روشنفکران تأثیر گذاشت. در این دهه نظام سرمایه‌داری در بحران اقتصادی جهانی فرو غلتید و دیکتاتورهای فاشیست تصرف جهان را آغاز کردند. حزب [کمونیست] آغوش خود را گشود و خواهان تشکیل جبهه ملی شد. سپس محاکمات مسکو، فروکوبیدن موزیانه دموکراسی اسپانیا که برای بقای خود می‌جنگید، و نیز پیمان هیتلر-استالین به روگردانی نویسندگان از خدای سرخ انجامید. اما اتحاد بزرگ و جنبش مقاومت فرانسه علیه نیروهای متجاوز آلمان، بسط قدرت شوروی در دوران پس از جنگ و جنبش جهانی صلح این روند را کند کرد، بی‌آن‌که بتواند آن را متوقف کند. ایده‌آلی که یک بار آسیب دیده بود، دیگر ترمیم‌شدنی نبود. امپراتوری نمی‌توانست جایگزینی برای یوتوپیای از دست‌رفته باشد. پس از مرگ استالین، روشنفکران از برلین شرقی، ورشو، بوداپست تا پکن شورش کردند و از بلشویسم دست‌کم آن جامعه نسبتاً انسانی را طلب کردند که سرمایه‌داری مدت‌ها پیش مجبور به پذیرش آن شده بود. کامو می‌گوید: «هنر و عصیان با آخرین انسان‌ها از میان خواهد رفت.»

## پیرمردان بزرگ ادبیات سوسیالیستی

باوری نو به چه بسیار شور و شوق‌ها پاسخ می‌دهد. هرکس از آن پاسخ چیزی را می‌شنود که در راه تحقیق‌اش می‌کوشد. مراد من از سوسیالیسم انقلاب درونی بود، چیزی بس فراتر از یک رفم اجتماعی. رومن رولان

کمونیست‌ها وقتی ادیبی مثل هربرت جورج ولز (۱۸۶۶-۱۹۴۶) را در مقام دوستدار صلح، یکی از یاران خود به حساب می‌آورند، به سخنانی از این دست استناد می‌کنند: «من با اطمینان خاطر به صلح بزرگ جهانی باور دارم. صلح کاملاً در دسترس است و همین که ما جداً خواهان‌اش باشیم، محقق می‌شود. من در جهان پرهرج و مرج امروز، جهان عاری از امنیت، مثل یک تبعیدی گام می‌زنم؛ اما برای رسیدن به هدف دلخواهم، هر کاری از دست ناتوانم برآید، انجام می‌دهم، گاهی با جدیت تمام، گاه با دلی پرامید، تا آخرین نفس.» این گفته همان اندازه کلی است که مجموع جنبش صلح؛ حرفی است که با سخنوری‌های هر حزبی سازگاری دارد.

جورج برنارد شاو (۱۸۵۶-۱۹۵۰)، دوست و مخالف ولز، «سوسیالیست،